

Ibn Sina's Treatise Al-Adhawiya: A Historical-Content Analysis and Evaluating Researches

Marziya Ramazani

*Phd student, The Iranian Research Institute of Philosophy
(ma.ramezani133@gmail.com)*

Abstract

Adhawiya is a treatise attributed to Ibn Sina, which was a different work due to its characteristics, such as the author's special theory on the discussion of physical resurrection and also his special view on religious propositions, and there are differences of opinion on the date of its compilation. This article is organized in two parts with a descriptive-analytical method: in the first part the evidences for attributing *Adhawiya* to Ibn Sina are examined and the date of its authorship is researched. Examining different sayings in the history of the writing of this treatise, citing extra-textual and intra-textual evidence, the late saying is preferable in the history of the writings of *Adhawiya*. In the second part, while analyzing the corrections made from this treatise, the corrections are known as being plagued by problems such as lack of access to other valuable copies in libraries, incorrect reports of the replacement version and incorrect recordings. So, the existing corrections are not satisfactory and the critical correction of this treatise along with the elimination of the existing deficiencies and disorders is necessary to present a revised and reliable text.

Keywords: *Al-Adhawiya*, Peripatetic Philosophy, Islamic Philosophy, Islamic Philosophy Texts, Ibn Sina.



رسالة «الاضحوية» لابن سينا: تحليل تاريخي - موضوعي و تقييم البحوث

مرضيه رمضان^١

«الاضحوية» هي رسالة منسوبة إلى ابن سينا، وقد اختلف في نسبتها إلى ابن سينا بسبب خصائص، منها نظرية المؤلف الخاصة بشأن موضوع المعاد الجسماني، وكذلك رؤيته الخاصة للمقولات والموضوعات الدينية، كما أنّ هناك خلافاً في تاريخ تأليفها. وقد تمّ إعداد هذه المقالة بطريقة وصفية - تحليلية في جزءين: الجزء الأول يتضمن دراسة أدلة إسناد "الاضحوية" إلى ابن سينا والبحث في تاريخ تأليفها، وقد اعتبر المؤلف أخيراً مع الإتيان بالأدلة الكافية و تسجيلها أنّ إسناد هذه الرسالة إلى ابن سينا وثيق ومعتبر، وفي أثناء دراسته لمختلف الأحاديث والأقوال في تاريخ تأليف هذه الرسالة استشهد بأدلة خارج النص وداخله، ورجح القول المتأخر في تأليف «الاضحوية». وفي الجزء الثاني، وأثناء استعراضه للتصحّيات التي أجريت على هذه الرسالة، ذكر عيوباً، منها عدم العثور على نسخ أخرى قيّمة في المكتبات، وعدم صحة نقل التراجم، وعدم صحة التسجيلات؛ بحيث إنّ التصحّيات التي أجريت على هذه الرسالة لم تكن مرضية، وتبدو التصحّيات النقدية لهذه الرسالة، مع تصحيح ما فيها من نقص واختلال لتقديم نصّ مُنقّح ومُصحّح وموثوق به، مع مراعاة المبادئ والقواعد العلمية، أمراً ضرورياً.

مفاتيح البحث: مقالة الأضحوية، فلسفة المشاء، الفلسفة الإسلامية،

نصوص الفلسفة الإسلامية، ابن سينا.

١. طالبة دكتوراه في معهد أبحاث الحكمة والفلسفة في إيران

(ma.ramezani133@gmail.com).



فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت
سال پانزدهم، دی ۱۴۰۲، شماره مسلسل ۵۸

رساله «الاضحویّه» ابن سینا: تحلیل تاریخی - محتوایی و ارزیابی پژوهش‌ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

مرضیه رضانی *

«الاضحویّه»، رساله‌ای است منسوب به ابن سینا که به سبب ویژگی‌هایی چون نظریه خاص مؤلف در بحث معاد جسمانی و نیز دیدگاه ویژه او درباره گزاره‌های دینی، اثری متفاوت بوده که در تاریخ تألیف آن نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی در دو بخش تنظیم شده است: مسأله بخش نخست، بررسی ادله انتساب اضحویّه به ابن سینا و تحقیق در تاریخ تألیف آن است که نگارنده در نهایت با ضبط ادله کافی، انتساب این رساله به ابن سینا را قوی و ضمن بررسی اقوال مختلف در تاریخ تألیف این رساله، با استناد به شواهد برون‌متنی و درون‌متنی، قول با تأخر را در تاریخ کتابت اضحویّه ارجح می‌داند. در بخش دوم نیز ضمن واکاوی تصحیح‌های انجام گرفته از این رساله، آنها را گرفتار اشکالاتی چون عدم دسترسی به دیگر نسخه‌های ارزشمند موجود در کتابخانه‌ها، گزارشات ناصحیح از نسخه بدل‌ها و ضبط‌های نادرست می‌داند؛ به طوری که تصحیح‌های موجود رضایت‌بخش نبوده و تصحیح انتقادی این رساله همراه با رفع کاستی‌ها و نابسامانی‌های موجود برای ارائه متنی منقح و مورد اعتماد ضمن رعایت اصول و قواعد علمی، امری ضروری می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: رساله اضحویّه، فلسفه مشاء، فلسفه اسلامی،

متون فلسفه اسلامی، ابن سینا.



* دانشجوی دکتری موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
(ma.ramezani133@gmail.com)

درآمد

«الاضحویّه»، رساله‌ای است که در شمار آثار ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق) از آن یاد می‌شود. محور اصلی مباحث در این رساله، معاد نفس ناطقه است. ابن‌سینا در این اثر، پس از بیان معنای معاد و آرای گوناگون درباره آن و نیز ردّ آرای باطل، به بحث درباره نفس به عنوان حقیقت ثابت انسان و بی‌نیازی آن از بدن می‌پردازد و در نهایت با اثبات وجوب معاد از طریق اثبات خلود نفس، احوال گروه‌های گوناگون مردم پس از مرگ را تبیین می‌کند. این اثر به سبب ویژگی‌هایی چون نظریّه خاص مؤلف در بحث معاد جسمانی و نیز دیدگاه ویژه او درباره گزاره‌های دینی، اثری متفاوت و شایسته توجه است. در این مقاله پژوهشی، درباره این رساله با رویکردی تاریخی و محتوایی انجام شده است و نیز تصحیح و ترجمه‌های منتشرشده از این اثر، ارزیابی شده‌اند.

درباره رساله «الاضحویّه»

۱. عنوان رساله

در آغاز موجود در ابتدای برخی از نسخه‌های خطّی (ر.ک: پیوست ۱)، نام این رساله با عباراتی چون اضحویّه، کتاب المعاد، رساله المعاد و رساله المبدأ و المعاد توأمان است. دلیل عمده این اختلاف عنوان‌ها، به کاتبان نسخه‌های خطّی مذکور باز می‌گردد که با از آثار دیگر مؤلف با همین نام^۱ بی‌اطلاع بودند و یا در صورت اطلاع، اهمّامی جهت تمییز آنها نداشتند؛ چنان‌که قفطی در إخبار العلماء بعد از ذکر کتاب المعاد که ظاهراً همان رساله اضحویّه است، چند سطر بعد، از مسافرت شیخ به ری یاد کرده و از کتاب المعاد دیگری بحث می‌کند که

۱. سایر آثار قطعی ابن‌سینا در مورد معاد عبارت‌اند از: الف) کتاب المبدأ و المعاد که شیخ آن را به درخواست ابومحمد شیرازی، در محدوده زمانی ۴۰۲ تا ۴۰۴ قمری در گرگان نوشته است (Gohlman, 1974: 44)؛ ب) رساله کوتاه المبدأ و المعاد شامل چهار پرسش و پاسخ کوتاه در موضوع معاد (مهدوی: ۱۳۳۳: ۲۱۶)؛ ج) النفس علی طریق الدلیل و البرهان که با عنوان کتاب المعاد و المعاد الأصغر نیز آمده است و موضوع آن اثبات بقای نفس و معاد است و قبل از سال ۴۰۵ قمری در ری نگاشته شده است (همان: ۲۴۴).

می‌تواند قرینه‌ای برای تفکیک این دو اثر از یکدیگر باشد (قفطی، ۱۳۲۶: ۲۷۲)؛ همچنین در حاشیه کهن‌ترین نسخه خطی رساله سرگذشت موجود در دانشگاه استانبول شماره ۴۷۵۵ که قدمت آن به سال ۵۸۸ باز می‌گردد،^۱ این اثر نگاشته شده در ری، با عبارت «هذا کتاب المعاد الأصغر» وصف شده است؛ به عقیده گوتاس علت اینکه معاد نوشته شده در ری را المعاد الأصغر می‌نامند، این است که اثر مذکور از اضحویّه‌ای که شایسته است به عنوان المعاد الأكبر^۲ خوانده شود، متمایز گردد (Gutas, 2014: 473-474).

در وجه تسمیه «اضحویّه»، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: برخی چون خدیوچم، مصحح نسخه فارسی رساله اضحویّه، معتقدند ابن‌سینا این رساله را به مناسبت عید قربان (عید اضحی) به رسم پیشکش، برای شخصی که در نظر او سزاوار تمجید و تعظیم بوده، نوشته است. دلیل «اضحویّه» نامیده شدن آن نیز ظاهراً همین است که هدیه عید قربان بوده است (خدیوچم، ۱۳۵۰: ۱۷). نظر دوم متعلق به مصحح تاجیک نسخه فارسی اضحویّه است که دیدگاه خدیوچم را دور از واقع دانسته، معتقد است اضحویّه نباید به معنای هدیه عید اضحی باشد و ممکن است این نام به معنای «روشن» و «آشکارکننده حقیقت» باشد و مقصود متفکر بزرگ از نام اضحویّه در اینجا، راهنما و نشان دهنده راه روشن و حقیقت است (باغبان فردوسی، ۱۹۸۰م: ۳).

با دو دلیل می‌توان صحّت ادعای اول را تأیید کرد: نخست آنکه موضوع این رساله، هیچ ارتباطی با عید قربان یا قربانی کردن ندارد که بدان سبب به اضحویّه معروف شده باشد؛ دیگر آنکه در زمان قدیم، رسم عجم بر آن بود که هدایایی را در روزهای خاص مثل عید نوروز - که به آن نوروزیّه می‌گفتند و ابن‌سینا رساله‌ای با این نام نیز دارد - یا چون نام روز و نام ماه یکی می‌شده است - در ایران باستان هر

۱. سرگذشت ابن‌سینا بر اساس این نسخه خطی، نخستین بار توسط انجمن دوستداران کتاب، منتشر و توسط سعید نفیسی ترجمه شده است.

۲. مهدوی کتاب المبدأ والمعاد را برای این عنوان سزاوارتر می‌داند؛ زیرا این کتاب قبل از کتاب المعاد نوشته شده در ری نگارش یافته است و درموضوع معاد، نسبت به رساله اضحویّه مفصل‌تر است (مهدوی، ۱۳۲۳: ۲۴۴).

روز نامی مخصوص به خود داشت- آن روز را جشن گرفته و هدیه‌هایی با نام آن روز تقدیم می‌کردند؛ چون هدیه مهرگانی (مهرجانی) که مخصوص روز شانزدهم (مهرجان) از ماه مهر بوده است (ر.ک: ابن‌البخی، ۱۳۸۴: ۹۰).

۲. انتساب رساله به ابن‌سینا

در بررسی نسبت این رساله به ابن‌سینا، دلایل و شواهدی چند موجود است که برخی از این شواهد، برون‌متنی و برخی درون‌متنی‌اند؛ بعضی مقرب‌اضحویّه به شیخ‌الرئیس‌اند و برخی دلالتی در این زمینه ندارند.

۱.۲. شواهد برون‌متنی

این شواهد شامل منابع تاریخی، آغاز نسخه‌های خطی، ارجاعات اندیشمندان نزدیک به عصر ابن‌سینا و سایر فیلسوفان به رساله‌اضحویّه است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

۱.۱.۲. منابع تاریخی

به برکت زندگی‌نامه‌ای (رساله سرگذشت) که از ابن‌سینا به تقریر خودش و نوشته شاگرد وی جوزجانی در منابع تاریخی متعدّد چون تتمه صوان‌الحکمه بیهقی، عیون‌الأنباء ابن‌ابی‌اصیبعه و اخبار‌الحکماء قفطی آمده است، می‌توان انتساب رساله‌اضحویّه به شیخ‌الرئیس را بررسی کرد. دو گزارش از مهدوی در مصنّفات ابن‌سینا (مهدوی، ۱۳۳۳: ۴۰۹) و گوتاس در کتاب ابن‌سینا و سنت ارسطویی (Gutas, 2014: 406) از حضور و غیبت رساله‌اضحویّه در فهرست آثار ابن‌سینا در منابع تاریخی زیر مشاهده می‌شود:

جدول (۲): «اضحویّه» در منابع تاریخی بنا بر فهرست مهدوی

منابع	تتمه صوان الحکمه بیهقی	أخبار الحکماء قفطی	نسخه خطی اونیورسیتته (۵۸۸ق)	عیون‌الأنباء ابن‌ابی‌اصیبعه	نسخه جدید صوان‌الحکمه
اضحویّه	مذکور	—	مذکور	مذکور	مذکور

جدول (۳): «الاضحویّه» در منابع تاریخی بنا بر فهرست گوتاس

منابع	اتوبیوگرافی (Autobiography)		کتاب‌شناسی کوتاه‌تر (Shorter Bibliography)		کتاب‌شناسی بلندتر (Extended Bibliography)	کتاب‌شناسی گسترده (Longer Bibliography)
	(زندگی‌نامه ابن‌سینا به روایت خودش / ۴۱۶ق) بیوگرافی (روایت جوزجانی / قبل از ۴۲۹ق)		فهرست	آخبار		
اضحویّه	—		فهرست اول عیون الانباء	آخبار الحکماء قفطی	فهرست دوم عیون الانباء ابن‌ابی‌اصیبه	نسخه جدید صوان الحکمه (قبل از ۶۳۹ق)
مذکور	—		—	—	مذکور	مذکور

با جست‌وجو در این منابع تاریخی، روشن می‌شود که نخستین بار در نسخه خطی دانشگاه استانبول از رساله سرگذشت به شماره ۴۷۵۵ (۵۸۸ق)، نام اضحویّه در بین آثار تألیفی شیخ‌الرئیس دیده می‌شود (نفسی، ۱۳۳۱: ۱۱) و بعدتر از آن در نسخه جدید تمه صوان الحکمه هرچند نام اضحویّه در بین مؤلفات ابن‌سینا مشاهده نمی‌شود، اما بیهقی ضمن شرح حال ابوالقاسم کرمانی، پس از اشاره به مناظره‌ای که بین شیخ‌الرئیس و کرمانی واقع شده است، به این نکته اشاره می‌کند که ابوعلی این مناظره را به شیخ وزیر امین، ابوسعید همدانی نوشت؛ همو که ابوعلی رساله اضحویّه را به نامش نگاشته است^۱ (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۷). مقایسه

۱. فتح‌الله مجتبیایی در مقاله «داستان ملاقات و مکاتبات ابوعلی و ابوسعید» (ر.ک: مجتبیایی، ۱۳۷۵: ۶-۱۸)، در پی کشف شواهدی چند، داستان ملاقات مشهور و مکاتبات معروف ابن‌سینا و ابوسعید ابوالخیر را افسانه‌ای بیش نمی‌داند و در جست‌وجوی ابوسعید این مکاتبه و دیدار تاریخی آن دو، به «وزیر الامین ابوسعید (یا ابوسعید) همدانی» می‌رسد و از روی حدس و قیاس احتمال می‌دهد وی همان شخصی است که بنا بر ضبط برخی نسخه‌های تمه صوان الحکمه، ابوعلی سینا رساله اضحویّه را به نام او نوشته است: «کتب هذه المناظرة ابوعلی إلى الشيخ الوزير الامین ابی سعید الهمدانی الذي صنف ابوعلی باسمه الرسالة الاضحویة». اما به استناد نسخه چاپی نزهة الأرواح شهرزوی که به سال ۱۹۷۶ به کوشش دکتر سید خورشید احمد در دکن به چاپ رسیده و مندرجات آن کاملاً منقول از نسخه قدیمی تمه صوان الحکمه است، آنچه ابن‌سینا برای ابوسعید وزیر نوشته است نه رساله اضحویّه بلکه رساله «أجوبه» است (شهرزوی، ۱۹۷۶: ۲۸/۲) که در اثر تصحیف کاتبان

این جدول، اندکی اختلاف در گزارش مهدوی و گوتاس را نشان می‌دهد؛ یکی آنجا که مهدوی اضحویّه را در شمار آثار ابن‌سینا در کهن‌ترین منبع از رساله سرگذشت، یعنی تتمه صوان الحکمه می‌آورد؛ حال آنکه در کتاب‌شناسی کوتاه از آثار ابن‌سینا در نسخه قدیم صوان الحکمه، از اضحویّه نامی برده نمی‌شود. دیگر اختلاف، مربوط به عیون الأنبیاء ابن‌ابی‌اصیبیه است که واجد هر دو فهرست کوتاه و بلند از کتاب‌شناسی ابن‌سیناست که اضحویّه در فهرست اول، غایب (ابن‌ابی‌اصیبیه، بی‌تا: ۳/۷۸)؛ اما در فهرست طولانی‌تر (همان: ۱۱۴) نام و نشانی از آن دیده می‌شود. شاید بتوان مسئله اختلاف دو فهرست‌نویسی کوتاه و بلند را در یادبود اضحویّه با این نظریه احتمالی حل کرد که اضحویّه جزء آثار اصلی بوعلی بوده است؛ اما در هنگام فهرست‌نویسی آثار ابن‌سینا توسط جوزجانی، در تملک فردی گمنام بوده و در دوره‌های بعدتر، نشانی از آن یافت شده و در کتاب‌شناسی طولانی‌تر به آثار ابن‌سینا اضافه شده است. علاوه بر منابع فوق، در کتاب‌های شرح حال‌نویسی متأخری چون نامه دانشوران (۱۲۹۶ق) ضمن کتبی که شیخ در اصفهان تألیف نموده، از رساله اضحویّه نام برده شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۳۸: ۱/۱۴۵).

۲.۱.۲. آغاز نسخه‌های خطی

در آغاز کهن‌ترین نسخه خطی اضحویّه مربوط به دانشگاه استانبول به شماره ۴۷۵۵ (۵۸۸ق)، در کنار نام رساله، دست‌نوشته کاتب نسخه با مضمون «صنّفها الشیخ للشیخ الأَمین أبی بکر محمّد بن عمید رحمه الله» نمایان است که احتمالاً مقصود از «الشیخ» همان الشیخ‌الرئیس است. شاید این سؤال به ذهن رسد که از کجا و کدام منبع تاریخی، نام ابن‌سینا به عنوان مؤلف این رساله، به نسخه خطی استانبول راه یافته است؟ در بخش منابع تاریخی گذشت که اولین منبعی که با کتاب‌شناسی طولانی‌تری از آثار ابن‌سینا نام اضحویّه را در فهرست آثار ابن‌سینا می‌آورد، نسخه خطی از رساله سرگذشت موجود در دانشگاه استانبول به

و به قیاس اشاره‌ای که در فهرست آثار شیخ به رساله اضحویّه شده است، به صورت «اَضْحَوِيَّة» ضبط شده است. بنا بر آنچه گذشت، همان‌گونه که نشان اضحویّه در نسخه‌های کهن تتمه صوان الحکمه ناپیداست، در نسخه‌های جدیدتر نیز نامی از آن نبوده است، آنچه امروز از نام اضحویّه در این نسخه‌های جدید دیده می‌شود، سهو و لغزشی از جانب کاتبان نسخه‌های جدیدتر است و در ادامه (قسمت تاریخ تألیف رساله) با قرینه‌ای دیگر، تأییدی بر این ادعا آورده خواهد شد.

شماره ۴۷۵۵ (۵۸۸ق) است؛ بنابراین بین کتابت این دو نسخه مقارنه است و هر دو توسط کاتبی واحد نگاشته شده‌اند؛ از این رو مقصود از «الشیخ» در کنار نام «اضحویّه» در آغاز نسخه دانشگاه استانبول، همان شیخ‌الرئیس است که در همان مجموعه در رساله سرگذشت، اضحویّه به وی نسبت داده شده است. همان‌طور که در جدول پیوست (۱) نشان داده شده است، در بیشتر نسخه‌های سپس‌تر از دانشگاه استانبول نیز اضحویّه به ابن سینا منسوب است.

۳.۱.۲. اضحویّه در آثار ابن سینا و سایر متفکران اسلامی

با جست‌وجو در تألیفات ابن سینا خصوصاً مباحث مربوط به نفس‌شناسی، معادشناسی و معرفت‌شناسی به‌ویژه معرفت‌شناسی از متون دینی، نام و اثری از اضحویّه دیده نمی‌شود؛ حال آنکه وی در این رساله در برخی از این حوزه‌ها نظریاتی متفاوت با سایر آثارش دارد.^۱ در نگاشته‌های اندیشمندان پس از ابن سینا، در دو موضع از رساله اضحویّه یاد شده و به آن استناد داده شده است که شاید در صورت صحّت این استنادها، انتساب این رساله به ابن سینا بیش از پیش قوّت گیرد. این دو موضع عبارت‌اند از:

- **فخر رازی در شرح عیون الحکمه:** «قال الشیخ (ومبادئ هذه الأقسام التي للفلسفة النظرية... على سبيل الحجة) التفسير ذكر الشیخ فی العلوم العملية... فالفرق بین الباین ما ذكره فی رسالته التي سمّاها الأضحویّة. فقال يجب على الشارع الدعوة...» (رازی، ۱۳۷۳: ۱۹/۲).

- **ملاصدرا در الأسفار الأربعة:** «والعجب من الشیخ أبي علی أيضا أنه ذكر في هذا الكلام المنقول أن السعداء الحقيقيين يتلذذون باتّصال ذواتهم... ثم قال في أواخر إلهيات الشفاء و فی الرسالة الأضحویّة: إن الصور الخيالية ليست تضعف عن الحسیة بل تزداد عليها تأثيرا و صفاء كما نشاهد فی المنام» (صدرالمتألّهین، ۱۹۸۱م: ۹/۱۵۰). گرچه این عبارت نقل قولی از ملاصدرا و منسوب به اضحویّه است، با جست‌وجوی در متن این رساله، چنین عبارتی یافت نشده. با بررسی سایر آثار شیخ‌الرئیس مشخص شد که این عبارات، مربوط به کتاب نجات

۱. از آنجا که تاریخ نگارش رساله اضحویّه نامشخص است، در صورتی که دلایل معقولی برای نگارش این رساله در اواخر عمر شیخ‌الرئیس یافت شود، شاید غیبت اضحویّه در سایر آثار ابن سینا منطقی به نظر رسد.

است (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۶۹۷) که صدرالمتألهین آن را به اضحویّه نسبت داده است. با وجود آنکه نسبت این عبارت به اضحویّه مردود دانسته شد، یادبود این رساله در اسفار صدرالمتألهین و انتساب آن به ابن سینا، به عنوان شاهدی بیرونی در نسبت این رساله به ابن سینا همچنان به قوت خود باقی می ماند.

۲.۲. شواهد درون متنی

این شواهد برخاسته از محتوای رساله، نوع تقریر استدلال ها و استناد مؤلف به آثار قبلی خویش است که به آنها اشاره می شود:

۱.۲.۲. محتوا و سبک تقریر استدلال ها

ابن سینا در فصل های مختلف اضحویّه در پی اثبات مبانی نظام مابعدالطبیعی خویش همچون مباحث مربوط به نفس شناسی و روان شناسی سینوی، استدلال هایی اقامه می کند که برخی از ابتکارات وی بوده، عیناً یا نزدیک به این مضمون در آثار دیگر ابن سینا نیز یافت می شود. برخی از آنها عبارت اند از:

- **برهان انا:** ابن سینا در فصل چهارم اضحویّه، استدلالی اقامه می کند برای اثبات اینکه حقیقت آدمی یعنی آنچه ما از آن به «من» تعبیر می کنیم و انسان بودن انسان به آن است، نفس اوست نه بدن او (ابن سینا، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۸). این برهان کم و بیش همان برهان «انسان معلّق در فضا» است که ظاهراً از ابتکارات ابن سیناست و به آن دل بستگی شدیدی داشته (مدکور، ۱۳۶۱: ۱۲۸)، در کتاب های دیگر خود از جمله شفا (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۳ و ۲۲۵-۲۲۶) و اشارات (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۲۳۳) آن را با تفصیل و تکمیل بیشتری آورده است؛ چنان که در رساله أحوال النفس نیز بدان اشاره کرده است (ابن سینا، ۲۰۰۷: ۱۸۴).

- **دلایل تجرّد نفس:** ابن سینا در فصل پنجم اضحویّه، به اثبات بی نیازی نفس از بدن و در واقع به اثبات تجرّد نفس می پردازد و شش دلیل بر این مدّعا آورده، از برخی مبادی ریاضی و مشاهدات علم النفسی استفاده می کند و در پایان نتیجه می گیرد که ذات آدمی، جوهری مجرّد و قائم به ذات خویش است (ابن سینا، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۳۵). دلایل تجرّد نفس که به اعتقاد برخی، عموماً ابتکار خود ابن سیناست (مدکور، ۱۳۶۱: ۱۳۹). در کتاب های دیگر او، چون

نجات (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۲۸۵-۲۹۷)، اشارات (ابن‌سینا، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۹)، رساله قوای نفسانی (ابن‌سینا، ۱۳۲۵: ۶۷-۷۹) نیز مشهود است.

- **مراتب سعدا و اشقیاء:** ابن‌سینا در فصل هفتم اضحویه، به تفصیل از مراتب طبیعی لذت و الم سخن گفته که مقتضی تشکیکی شدن سعادت و شقاوت و در نتیجه مستلزم تفاوت یافتن درجات سعدا و درکات اشقیاء خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۵۴). ابن‌سینا علاوه بر اضحویه، در آثاری چون مبدأ و معاد (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۱۲-۱۱۵) و الهیات شفاء (ابن‌سینا، ۱۳۷۶: ۴۶۸-۴۷۵) به این مراتب اشاره‌ای دارد؛ در حالی که در اشارات (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۳۵۰-۳۵۲) همسو با اضحویه به طور مفصل به آن می‌پردازد.

۲.۲.۲. ارجاع شیخ‌الرئیس به دیگر آثار خود

ابن‌سینا در فصل پنجم، به اثبات بی‌نیازی نفس از بدن و در واقع به اثبات تجرد نفس می‌پردازد. پیش‌نیاز و لازمه اثبات تجرد نفس، اثبات جوهریت نفس است که ابن‌سینا در رساله اضحویه اهتمامی در این زمینه ندارد؛ چراکه اثبات جوهریت نفس را به آثار قبلی خویش خصوصاً شرح خود بر کتاب نفس ارسطو حواله می‌دهد: «قد ذکرنا فی عدّه من کتبنا بیان جوهریة النفس وخاصّة فی شرحنا لکتاب أرسطو فی النفس» (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۱۳۲). شرح کتاب نفس ارسطو، از جمله آثار ابن‌سیناست که در فهرست‌های طولانی‌تر از آثار ابن‌سینا جزئی از کتاب انصاف شمرده شده است (Gohlman: 1974: 108).

از آنچه گذشت، نتیجه گرفته می‌شود که تردید حاصل از غیبت اضحویه در فهرست‌نویسی کوتاه، با مجموع شواهد بیرونی و درونی مذکور، کمرنگ شده و احتمال نسبت اضحویه به ابن‌سینا بسیار قوت می‌گیرد.

۳. مخاطب رساله

بر اساس فهرست نسخه‌های خطی در جدول پیوست (۱)، روشن می‌شود که در آغاز کهن‌ترین نسخه خطی اضحویه، مربوط به دانشگاه استانبول به شماره ۴۷۵۵ (۵۸۸ق) است. این رساله فراهم‌آمده برای شخصی خاص با تعبیر «شیخ‌الأمین‌ابی‌بکر محمد بن عبید» معرفی می‌شود؛ در حالی که نام او در برخی دیگر از نسخه‌ها، همسان با نسخه استانبول یا با

اختلاف جزئی، ابی بکر بن محمد یا ابی بکر بن محمد بن عبدالله ذکر می‌شود. در منابع تاریخی چون عیون الأنباء ابن ابی‌اصیبعه نیز مخاطب رساله همان محمد بن عبید؛ اما با اوصافی جدید چون «الأمیر ابی بکر محمد بن عبید، معتصم الشعراء فی العروض، صنّفه ببلاده وله سبع (تسع) عشرة سنة» (ابن ابی‌اصیبعه، بی تا: ۳/ ۱۱۴) آمده است. در صورت صحّت این توصیف، احتمال خدیوچم در تصحیح نسخه فارسی اضحویه درست می‌نماید که این ابوبکر را همان ابوبکر احمد بن محمد برقی خوارزمی می‌داند که ابن سینا در زندگی‌نامه خود نیز از او نام برده و او در بخارا استاد و حامی روزگار جوانی ابن سینا بوده است (خدیوچم، ۱۳۶۳: ۱۱۳). در مقابل شواهد فوق، در برخی دیگر از نسخه‌های کهن چون نسخه مهدوی ۵۸۷ و دانشگاه تهران ۱۵۵۹، نامی از مخاطب این پیشکش ذکر نشده است. از سوی دیگر در نسخه جدید تتمه صوان الحکمه ضمن شرح حال ابوالقاسم کرمانی، پس از اشاره به مناظره‌ای که بین شیخ‌الرئیس و کرمانی واقع شده است، به این نکته اشاره می‌شود که «ابوعلی این مناظره را به شیخ وزیر امین، ابوسعید همدانی نوشت؛ همو که ابوعلی رساله اضحویه را به نامش نگاشته است» (بیهقی، ۱۳۱۸: ۲۷). متأثر از این منبع، مستشرقی چون یحیی میشو (Michot, 2003: 150) و تاریخ‌نگاران معاصر چون ذبیح‌الله صفا (صفا، ۱۳۸۴: ۲۶۵) نیز مایل به اعتماد و قائل به صحّت ادعای بیهقی‌اند. استناد به تتمه صوان الحکمه در حالی است که در قبل اشاره شد کلمه «اضحویه» در واقع در آن کتاب نبوده، بلکه در اصل «اجوبه» بوده که به ابوسعید همدانی هدیه شده است و در اثر تصحیف کاتبان چنین خطایی به برخی نسخه‌های آن کتاب ره یافته است (مجتبایی، ۱۳۷۵: ۲۰-۲۱). در هر حال تعیین هویت دقیق مخاطب این پیشکش به جهت عدم ذکر آن در رساله سرگذشت و دیگر منابع تاریخی در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند.

۴. تاریخ تألیف رساله

اگر در رأی مان بر مجهول بودن هویت مخاطب رساله اضحویه ثابت قدم بمانیم، باید با معیارهای مختلف دیگری مسئله تاریخ نگارش رساله مشخص شود. سه نظریه در این زمینه مطرح شده است:

۱.۴. قول به تأخر

مترجم و مصحح ایتالیایی «Francesca, Lucchetta» رساله اضحویه محتوا و ارجاعات پخته و کامل این رساله را استدلالی بر تألیف کتاب در اواخر عمر شیخ‌الرئیس می‌داند. گوتاس با نقل این ادعا بدون اشاره به شواهد و استدلال‌های ارائه‌شده از سوی این مصحح، آن را این‌گونه رد می‌کند که محتوا و ارجاعات اضحویه آن‌چنان صریح و روشن نیست که ما را برای پذیرش نگاشته‌شدن اضحویه در اواخر عمر ابن‌سینا قانع کند (Gutas, 2014: 474).

۲.۴. قول به توسط

گوتاس بر اساس مقدمه رساله اضحویه، آنجا که ابن‌سینا از شرایط سخت خود سخن می‌گوید، ادعای نگارش رساله در اواخر عمر ابن‌سینا را بار دیگر مردود می‌شمارد؛ زیرا آن شرایط سخت، به دوره ناامن زندگی ابن‌سینا اشاره می‌کند؛ زمانی که او هنوز به پناهگاه امن دادگاه علاءالدوله در اصفهان نرسیده بود. این دوره همچنین دوره بعدتر از جوانی ابن‌سینا در بخارا و حتی در گرگان بود، جایی که او از حمایت مأمونی‌ها به‌خصوص وزیر دانشمندپرور آنها ابوالحسن سهیلی بهره‌مند بود. بنا بر این شواهد، گوتاس با اطمینانی معقول، اضحویه را مربوط به سال‌های میانی فعالیت ابن‌سینا در گرگان، ری و همدان ما بین ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۴ میلادی برابر با ۴۰۳ تا ۴۱۵ قمری می‌داند (Gutas, 2014: 473 – 474).

۳.۴. قول به تقدّم

یحیی میشو اوایل عمر را در نگارش کتاب برمی‌گزیند؛ اما این عقیده از آن جهت است که وی اضحویه را با کتاب معاد الأصغر که در سال ۴۰۴ قمری در ری نگاشته شده، یکی می‌پندارد (Michot, 2003: 150).

ارزیابی: بر اساس شواهد برون‌متنی، چون منابع تاریخی و آغاز نسخه‌های خطی، آگاهی از تاریخ کتابت رساله اضحویه به دست نمی‌آید، تنها ابن‌ابی‌اصیبه این اثر را مربوط به دورانی جوانی ابن‌سینا (۱۷ یا ۱۹ سالگی) می‌داند که در سرزمین خودش، بخارا نگاشته است (ابن‌ابی‌اصیبه، بی‌تا: ۱۱۴/۳). صحت این ادعای تاریخی و تخمین تاریخ احتمالی نگارش اضحویه با استفاده از شواهد درون‌متنی مانند گفتار ابن‌سینا در مقدمه رساله و پاره‌ای از ارجاعات وی در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱.۳.۴. محتوای پیش گفتار

ابن سینا در مقدمه اضحویّه مخاطب پیشکش، شیخ‌الأمین را دعا و ثنا گفته، از او با احترام فراوان و نیکی بسیار یاد نموده، از کج‌مداری روزگار و کسانی که پیروزی خود را در شکست او می‌دانند و به‌ناحق شیخ را نسبت به او بدبین نموده‌اند، این چنین شکوه می‌کند: «امید آنکه به‌زودی هنگامی فرارسد و فرصتی یابم که دوستان را شاد و دشمنان را خوار سازم و از سرزنش بدخواهان رها شوم. آن‌گاه به خیر و خوش‌بختی دست یابم که بر اثر کج‌مداری روزگار از کفم بیرون شده ... زیرا دیرزمانی است که گرفتار رنج و اندوهی شده‌ام که اگر بر کوه‌ها یا صخره‌ها فرو می‌افتاد، آنها را خرد می‌کرد ... شیخ‌الأمین را دل راضی نمی‌شود که پس از پذیرش، من را بیهوده گذارد و به دست ناکامی سپارد و او خود تنها به کسی بپردازد که از هر جهت از من فروتر است» (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۶). به نظر می‌رسد چنین تلاشی جهت جلب عنایت شیخ‌الأمین، مربوط به دوران ابتدایی زندگی ابن‌سیناست که هنوز ردای شهرت علمی، شکوه و جلال وزارت و همنشینی با فرمان‌روایان بلادی چون همدان و اصفهان را بر تن نکرده بود. اما تشخیص اینکه رنج‌نامه ابن‌سینا بر اساس رساله سرگذشت بر کدام یک از منازل چندگانه سیر بوعلی از (بخارا تا اصفهان) انطباق دارد، ساده نیست؛ چراکه بنا بر گفتار خود ابن‌سینا در هر منزل، شرایط چنان سخت می‌گشت که وی به ضرورت، ناچار به ترک آن شهر می‌شد.^۱

۱. به راستی رنج‌نامه ابن‌سینا را بر کدامین یک از مقاطع پرفراز و نشیب زندگی وی قابل تطبیق است: به بخارا و حادثه فوت پدر و دگرگونی‌های سیاسی برخاسته از سقوط فرمانروایی سامانیان و متزلزل شدن موقعیت سیاسی وی که منجر به خروج ابن‌سینا از بخارا شد؛ به خوارزم و ترس و رعب حاصل از احضار سلطان محمود غزنوی که سبب عزیمت وی به گرگان شد؛ به گرگان و گرفتاری در زندان توسط سپاهیان قابوس؛ به ری و تهدیدهای محمود غزنوی و ترس از برهم ریختن اوضاع سیاسی و اجتماعی، که در تصمیم ابن‌سینا در ترک آن شهر بی‌تأثیر نبود؛ به همدان و دسیسه سپاهیان شمس‌الدوله، برکناری از مسند وزارت و تبعید به خارج از همدان، به اصفهان و حمله سلطان مسعود غزنوی و تاراج اموال و کتاب‌های ابن‌سینا؟ (نک: شرف، ۱۳۷۰: ۴-۵) به نظر می‌رسد که در این موضع، بدون وجود شواهدی دیگر، نظر قاطعی نمی‌توان داد.

۲.۳.۴. ارجاع شیخ‌الرئیس به دیگر آثار خود

ابن‌سینا در فصل پنجم، به اثبات بی‌نیازی نفس از بدن و در واقع به اثبات تجرّد نفس می‌پردازد. پیش‌نیاز و لازمه اثبات تجرّد نفس، اثبات جوهریت نفس است که ابن‌سینا در رساله اضحویه اهتمامی در زمینه ندارد؛ چراکه اثبات جوهریت نفس را به آثار قبلی خویش، خصوصاً شرح خود بر کتاب نفس ارسطو حواله می‌دهد: «قد ذکرنا فی عدّة من کتبنا بیان جوهریّة النفس و خاصّة فی شرحنا لکتاب أرسطو فی النفس» (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۱۳۲). مؤلف فهرست‌های طولانی‌تر از آثار ابن‌سینا، بعد از نام شرح کتاب نفس ارسطو، آورده است که شرح کتاب نفس ارسطو، جزئی از کتاب انصاف است (Gohlman: 1974: 108).

ابن‌سینا در رساله اختلاف الناس فی أمر النفس و أمر العقل (بدوی، ۱۹۷۴: ۱/۱۲۱) تصریح کرده است که انصاف، کتابی عظیم در بیست جلد بوده و در مدت قلیلی یعنی نیمه دی ماه تا آخر خرداد ماه ۴۲۰ یا ۴۲۱ قمری نگاشته شده است. این کتاب بسیار عظیم و مهم در اثر حمله لشکریان سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۵ یا ۴۲۷ به دنبال غارت اموال ابن‌سینا از بین رفت (مهدوی، ۱۳۳۱: ۴۶-۴۷). اما اشاره‌ای که سهروردی در کتاب مشارع و مطارحات^۱ (سهروردی، ۱۳۷۵: ۱/۳۶۰) و فخر رازی در المباحث المشرقیه^۲ (رازی، ۱۴۱۱ق: ۲/۴۸۰) به کتاب انصاف داشته‌اند، قرینه‌ای است بر اینکه کل کتاب انصاف نابود نشده، دست کم قسمت‌هایی از این کتاب در دست سهروردی و فخر رازی بوده است؛ اما آنچه فعلاً از آن باقی مانده است و شاید بیش از آن هم در دست شیخ اشراق و رازی نبوده، توسط عبدالرحمن بدوی، ضمن جزء اول از کتاب ارسطو عند العرب (بدوی، ۱۹۴۷: ۳۲-۱۱۶) به چاپ رسیده است. محتوای چاپی نسبت به اصل کتاب بسیار ناچیز و عبارت است از:

۱. قسمتی از شرح کتاب اللام؛^۲ تفسیر کتاب اثولوجیا؛^۳ شرح کتاب نفس

۱. وهو ما ذکره صاحب الشفاء (ابو علی ابن سینا) فی بقایا مسوّدة له تسمی ب «الانصاف و الانتصاف» (انّ وجود الحقّ الاول لا یمکن المعلولات من تقدّم الامکان علیها) (سهروردی، ۱۳۷۵: ج: ۱: ۳۶۰).

۲. (وذكر الشيخ) فی کتاب (الانتصاف) معترضاً علی أرسطو فی هذه الحجة فقال إنه ادعی هاهنا ان تتابع التعقّلات متعّب ... (رازی، ۱۴۱۵ق: ج: ۲: ۴۸۰).

ارسطو. با کنارهم گذاشتن شواهد و قرائن زیر، این احتمال که شرح کتاب نفس ارسطو، جزئی از کتاب انصاف بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- با مقایسه شرح کتاب نفس، با دو جزء دیگر کتاب انصاف یعنی شرح دو کتاب لام و اثولوجیا شباهت فراوانی بین این سه جزء مشاهده می‌شود (مهدوی، ۱۳۳۱: ۴۸).

- در کتاب‌شناسی طولانی‌تر از آثار ابن‌سینا، از کتاب انصاف با عبارت «شرح فیه جمیع کتب ارسطو و انصف فیه بین المشرقیین و المغربیین» (Gohlman: 1974: 92) یاد می‌شود. با توجه به عبارت آغازین شرح کتاب نفس «المشرقیون: قد تحقیقنا من أمر النفس، شرف الموضوع...» که در آن اشاره به قول مشرقیین کرده است و عنایت به این مهم که ابن‌سینا تمام کتاب‌های ارسطو را در مجموعه ۲۰ جلدی انصاف شرح داده است، می‌توان احتمال داد که شرح کتاب نفس نیز جزئی از کتاب انصاف بوده است.

- در رساله سرگذشت، ضمن شرح احوال شیخ‌الرئیس در همدان در سال ۴۰۶ قمری، آمده است که جوزجانی از ابن‌سینا درخواست کرد که کتاب‌های ارسطو را شرح کند، اما استاد به سبب اشتغال در مسند وزارت شمس‌الدوله درخواست جوزجانی را رد کرده، به جهت نداشتن فراغتی بر این امر، آن را به زمانی دیگر حواله داد (Gohlman: 1974: 54).

بنا بر آنچه گذشت، روشن می‌شود شرح کتاب نفس ارسطو و به تبع آن اضحویّه تا اواخر مسند وزارت بوعلی در همدان نگاشته نشده بود؛ پس این ادعا که مخاطب پیشکش رساله اضحویّه ابوسعید همدانی است، مردود است؛ چراکه شرح کتاب نفس ارسطو که مرجع رساله اضحویّه است، هنوز نگاشته نشده بود. از سوی دیگر با اتکا بر شواهد دلالت‌کننده بر نگارش کتاب انصاف در اصفهان در حدود سال‌های ۴۲۰ و ۴۲۱ قمری، این ادعا که اضحویّه مربوط به اواخر عمر بوعلی و از آثار نگاشته شده در اصفهان است، به واقع نزدیک‌تر است؛ چنان‌که در نامه دانشوران، ضمن شرح احوال ابن‌سینا، اضحویّه جزو آثار اصفهان شمرده شده (جمعی از نویسندگان، ۱۳۳۸: ۱/۱۴۵) و مترجم و مصحح ایتالیایی رساله اضحویّه نیز این رساله را مربوط به اواخر عمر ابن‌سینا می‌داند (ر.ک: Gutas, 2014: 474).

۵. جایگاه الاضحویه

در تبیین جایگاه این رساله در میان دیگر آثار ابن‌سینا، باید اعتراف کرد رساله اَضْحَوِیَّه به سبب ویژگی‌های که دارد، اثری جسورانه و متفاوت در بین سایر آثار شیخ‌الرئیس و از این‌رو درخور توجه ویژه‌ای است. وجه تمایز اَضْحَوِیَّه در میان سایر آثار ابن‌سینا از آن روی است که این اثر از یک سو بسیاری از آرای ابن‌سینا خصوصاً برخی آرای مهم او به‌ویژه در باب نفس و معاد را آشکار می‌کند؛ از سوی دیگر دیدگاه هرمنوتیکی خاص وی را در باب گزاره‌های اعتقادی قرآن و روایات برمی‌تابد. این دو ویژگی دستاویز مخالفان وی گردیده و کسی همچون غزالی هر کدام از آنها را برای تکفیر او و به‌طور کلی، تکفیر فلاسفه کافی دیده است. آنچه در پی می‌آید، مهم‌ترین ویژگی‌های اَضْحَوِیَّه و برجسته‌ترین آرای شیخ‌الرئیس در این رساله است که در نهایت چهره‌ای متفاوت از ابن‌سینا را به تصویر می‌کشند:

۱.۵. دیدگاه هرمنوتیکی متفاوت به گزاره‌های دینی

ابن‌سینا در ردّ معتقدان به معاد جسمانی صرف، دلیل اعتقاد این گروه به معاد جسمانی را نصوصی می‌داند که در شرع درباره برانگیخته‌شدن مردگان آمده است. او برای داوری این نظریه، دیدگاه هرمنوتیکی خاصی را راجع به متون دینی پیش می‌کشد. بر اساس این دیدگاه، اگرچه خطاب دین به همه افراد است، اما معارف حقیقی را به اکثر مردمان نمی‌توان آموخت؛ زیرا فراتر از توان عقلی آنان است. بنابراین در دین و کتاب‌های آسمانی، این معارف باید متناسب با فهم عموم مردم بیان شود. آنچه متناسب با فهم عموم است، عبارت است از آموزش توحید با الفاظ تشبیهی و آموزش معاد با ویژگی‌های حسی و جسمانی، هرچند خلاف توحید و معاد حقیقی باشد. در آیات و روایات تشبیهی، معنای حقیقی الفاظ مراد است نه معنای مجازی. این برای آن است که عموم مردم قادر به فهم معارف دینی باشند (ابن‌سینا، ۱۳۸۲: ۹۷-۱۰۰). نتیجه آنکه در این مباحث، ظاهر سخنان شرع در فهم توحید و معاد حقیقی، برای اهل نظر حجّت نیست و نمی‌تواند حاکی از واقع

باشد. بنا بر آنچه گذشت، می‌توان اضحویّه را یک رساله تأویلی نامید که قائل به تأویل متون دینی، جهت کشف حقیقت معارف دینی چون معاد است.

۲.۵. انکار معاد جسمانی

اعتقاد مشهور ابن‌سینا در آثاری چون نفس شفاء و نجات دیده می‌شود که بر اساس آن، مباحث مربوط به معاد را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ پاره‌ای از مباحث مربوط به معاد را تنها از شرع می‌توان شنید و برای اثبات آن راهی جز راه شرع و ایمان آوردن به سخن پیامبران وجود ندارد؛ یعنی از دسترس عقل بیرون است. این بخش مربوط به وضع بدن در آخرت است. پاره‌ای دیگر از مباحث مربوط به معاد با عقل و قیاس برهانی قابل درک و اثبات است و آن سعادت و شقاوت مربوط به نفس است، هرچند اکنون قوه وهم ما از تصوّر این سعادت و شقاوت ناتوان است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴:ق: ۴۲۳؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۶۸۲)؛ اما ابن‌سینا در رساله اضحویّه به راهی دیگر می‌رود و معاد جسمانی را آشکارا ردّ می‌کند. انکار معاد جسمانی در این رساله با سخنان صریح ابن‌سینا در آثاری چون شفاء و نجات که در آنها معاد را هم روحانی و هم جسمانی دانسته، چه نسبتی دارد و موضع وی چیست؟ آیا وی در واقع منکر معاد جسمانی بوده است، ولی در آثاری همچون شفاء و نجات تقیّه کرده، با عوام و متکلمان مماشات ورزیده است؟ (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۸)؛ یا آنکه چون وی اعتقاد داشته است که برخی حقایق باید از مردم عادی پنهان بماند، به‌طور رسمی دم از اعتقاد به معاد جسمانی زده، ولی رأی واقعی خود را تنها برای خواص آشکار کرده است (دنیا، ۱۹۴۹:م: ۱۵-۲۰)؛ از همین رو برخی اضحویّه را از کتاب‌های محرمانه ابن‌سینا دانسته‌اند (Michot, 2003:150)؛ یا آنکه ابن‌سینا دودل و دارای دو رأی بوده و در واقع دچار تناقض‌گویی شده است (دنیا، ۱۹۴۹:م: ۱۵-۲۰)؛ یا آنکه همواره به معاد جسمانی اعتقاد داشته است، ولی در اضحویّه مسامحه ورزیده و سهواً دچار چنین خطایی شده است (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۳۳)؛ یا آنکه ابن‌سینا

این رساله را در جوانی نوشته است و در آن هنگام، منکر معاد جسمانی بوده، اما سپس در دوران پختگی از این رأی بازگشته است.

تناقض‌گویی و مسامحه از کسی چون ابن‌سینا بسیار بعید است و اینکه در مواردی نظیر قدیم‌بودن عالم، رأی خود را به‌صراحت بیان کرده، احتمال تقیّه و ممانعت با غیر خواص را کمرنگ می‌کند. از سوی دیگر اینکه تا آخر بر محال‌بودن تناسخ به معنای عام آن که مهم‌ترین عامل انکار معاد جسمانی است، پای فشرده است. این احتمال که اضحویّه را در روزگار جوانی و خامی نوشته و بعد از رسیدن به مرز پختگی دست از این نظر برداشته و آن را اصلاح کرده است، تا حدّی ضعیف می‌کند؛ به‌خصوص اگر بر رأی مان بر نگارش اضحویّه در اواخر عمر ابن‌سینا ثابت‌قدم بمانیم، این احتمال به صفر می‌رسد و به دنبال دلایل دیگری باید بود. به هر تقدیر، دستیابی به پاسخی قاطع در این مسئله آسان نیست. آنچه قاطعانه می‌توان گفت، دغدغه‌ای است که ابن‌سینا در این مسئله داشته است. به هر حال ابن‌سینا دیگر سخنانی همانند آنچه را آشکارا در اضحویّه گفته است، تکرار نکرده است.

ارزیابی نسخه‌های چاپ‌شده از «الاضحویّه»

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، از رساله اضحویّه دو ویراست به زبان عربی و دو ویراست به زبان فارسی موجود است. علاوه بر آن، ترجمه‌ای به زبان لاتین، ترجمه و تصحیحی به زبان انگلیسی و درنهایت ترجمه‌ای ایتالیایی گزارش شده است که در ابتدا آثار به زبان اصلی متن و در نهایت ترجمه‌ها بررسی می‌گردند:

۱. ویراست عربی رساله «الاضحویّه»

این رساله دو نسخه چاپی به زبان عربی دارد که عبارت‌اند از:

۱.۱. نسخه سلیمان دنیا

نسخه چاپی با تصحیح سلیمان دنیا، نخستین بار در سال ۱۹۴۹ میلادی (۱۳۶۸ قمری) توسط انتشارات دار الفکر العربی مصر به چاپ رسیده است.

سلیمان دنیا اساس تصحیح خویش را تنها بر دو نسخه قرار می‌دهد؛ یکی نسخه بریتانی متعلق به قرن ۱۲ که دست‌یابی وی به این نسخه از طریق تصویر آن در کتابخانه الملکیه مصر با شماره ۳۹۵ حکمت و فلسفه و دیگری نسخه دانشگاه استانبول، متعلق به قرن ۹ است که تصویر آن به شماره ۲۴۱ علم کلام در کتابخانه الملکیه در دسترس دنیا قرار داشته است. سلیمان دنیا در مقدمه ویراست خود، کاتب نسخه بریتانی را متبحر در فنون خط، اما تهی از فنون حکمت شناخته که بر اثر بدفهمی، نسخه‌ای مغلوپ را فراهم آورده است؛ از سوی دیگر کاتب نسخ استانبول را از جهت علمی دقیق‌تر از کاتب نسخه بریتانی معرفی می‌کند. بسندگی دنیا به این دو نسخه نه‌چندان صحیح و عدم رجوع به دیگر دست‌نوشته‌هایی که نگارنده این پژوهش تا کنون قریب به ۵۰ نسخه از آنها را شناسایی کرده و برخی از این نسخه‌ها را جسته است، مهم‌ترین عاملی است که موجب پریشانی، بی‌اعتباری و تحریف‌هایی در ویراست سلیمان دنیا شده است؛ تحریف‌هایی که ناشی از عدم التزام به اصول تصحیح، رعایت نکردن آیین نگارشی، بدخوانی‌ها و یا ضبط‌های نادرست نسخ مورد رجوع ایشان است. به نظر می‌رسد ویراست سلیمان دنیا فقط «طبع مستعجلی» است که به قصد در دسترس قرار دادن رساله اضحویه منتشر شده است. در ادامه پاره‌ای از اشکالات تصحیح مذکور در چند قسمت بیان می‌شود. نقدهایی که در پی می‌آید، همگی بر بنیاد مقابله و مقایسه متن چاپی رساله با نسخه بریتانی و شماری از نسخ اقدم و اصح خطی ایراد می‌شود:

۱.۱.۱. خوانش‌ها و ضبط‌های غلط

از بارزترین اشکالات و نقایص ویراست سلیمان دنیا، خوانش‌های پریشان و ضبط‌های اشتباه از کلمات و عباراتی است که یا ناشی از عدم صحت نسخه‌های در دسترس وی یا ناشی از عدم دقت مصحح در ضبط کلمات است. این ضبط‌های غلط، موجب شده است بسیاری از عبارات این کتاب، نامفهوم باشد. در ادامه به اندکی^۱ از این موارد اشاره می‌شود:

۱. این اشکالات، حاصل مقابله تنها دو صفحه نخست هر کدام از فصل‌های یک، پنج و هفت کتاب اضحویه با نسخه‌های مورد استفاده سلیمان دنیا و دیگر نسخی است که نگارنده به عنوان نسخ اصح و اقدم شناسایی کرده است که جدول مشخصات نسخه مورد استفاده در این مقابله به پیوست در جدول شماره (۴) خواهد آمد.

ردیف	نشانی	متن چاپی	کلمه صحیح
۱	ص ۱۰۰، س ۱۵	فهی نفوس جهات للأشیا إماً بالذات كما للأبعاد وإماً بالعرض كما لمحمولات الأبعاد	لمحمولات ^۱
۲	ص ۳۲، س ۱	وأدون قضاء و أسفله و هو الخدمة بالبدن و توابع البدن حتى اری فی صورة من بذل وسعة فی واجب علیه وإن لم يقابله بالمستحق منه	وسعه ^۲
۳	ص ۳۲، س ۶	و رجوعی إلى خیر ممّا فرّق الحدثان بینی و بینہ من حسن حال و کفایة و تحمّل و فراغ قلب عن الدنيا للآخرة	تحمّل ^۳
۴	ص ۳۲، س ۱۰	وهو أيضاً مخصوص بمثلی دون العالم لا یسعی بعد الانقطاع إليه أن أصرف عنه خیراً فی یدی فجناه وهو الحکمة	مجنه ^۴
۵	ص ۳۳، س ۵	ثم لا یكون تفاوت الدرّج بیننا یسیراً ولا شدة مسندی مُتوهِماً	سُدّه مسدی ^۵
۶	ص ۳۲، س ۲	وأن یكون لمن هو دونی فی جملته علی ید و یقضى فی مبتغاه من قهری	علی ید ^۶

۱. بر (۳۱۱/۱، س ۲۴). توجه: در آدرس نسخ خطی، مراد از عدد سمت چپ ممیز شماره تصویر نسخه خطی و مراد از عدد ۱ و ۲ سمت راست، صفحه اول یا دوم تصویر مذکور است.
۲. مه (۲۰۳/۱، س ۸) / دا (۱۱۳/۱، س ۶) / تا (۲۱۹/۲، س ۸) و ...
۳. مه (۲۰۳/۱، س ۱۱) / دا (۱۱۳/۱، س ۹) / او (۴۱/۱، س ۱۰).
۴. او (۴۱/۱، س ۱۳) / تا (۲۲۰/۱، س ۲).
۵. مه (۲۰۳/۱، س ۱۸) / دا (۱۱۳/۱، س ۱۵) / تا (۲۲۰/۱، س ۶).
۶. دا (۱۱۳/۱، س ۱۳) / او (۴۱/۱، س ۱۵).

۷	ص ۳۳، س ۸	وَأَكُونُ حَيْثُ ذَلِكَ فِي الْمَخْتَصِرِ مَثْبِتاً	الْمَخْتَصِرُ ^۱
۸	ص ۳۳، س ۹	وَيَكُونُ بِإِنْتِظَامِهِ فِي جَمَلَتِهِ لِجَمَلَتِهِ سَابِقاً وَلِسِيرَتِهِ مَتَابِقاً	مَبَايِناً ^۲
۹	ص ۳۳، س ۱۲	وَيَكُونُ بِسَبَبِهِ فَائِزاً بِالْجَاهِ الْعَرِيضِ وَالْمَالِ الْعَدِيدِ حَائِزاً لِجَبْرِ مَكْسُورِ حَالِهِ	لِجَبْرِ ^۳
۱۰	ص ۳۴، س ۶	وَالآنُ فَلْنَعُدْ إِلَى الْغُرُضِ الَّذِي قَصَدْنَاهُ	عَنْهُ انْفِصَلْنَا ^۴
۱۱	ص ۳۴، س ۶	وَالآنُ فَلْنَعُدْ إِلَى الْغُرُضِ الَّذِي عَنْهُ انْفِصَلْنَا وَهُوَ الْقَوْلُ فِي الْمِيعَادِ	الْمِعَادِ ^۵
۱۲	ص ۹۸، س ۹	فَقَوَى كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ تِلْكَ الْأَجْزَاءِ إِذَا أَنْ يَكُونَ مَتْنَاهَا	فَمَقْوَى ^۶
۱۳	ص ۹۹، س ۸	وَلَا يُمَكِّنُ أَيْضاً أَنْ يَكُونَ النَّفْسُ فِي شَيْءٍ غَيْرٍ مُتَحَيِّزٍ مِنْ لَوْاحِقِ الْجِسْمِ	غَيْرٍ مُتَجَزِّءٍ ^۷
۱۴	ص ۹۹، س ۱۰	وَأَمَّا التَّنْطِفَةُ مِمَّا يُمَكِّنُ أَنْ يُقَالَ أَنَّهَا تَقْبَلُ نَوْعاً مِنَ الْمَزَاجِ عِنْدَ اجْتِمَاعِ الْعِنَاصِرِ	النَّقْطَةُ ^۸
۱۵	ص ۱۰۰، س ۷	أَنَّ الْمَعَانِيَ الْمَعْقُولَةَ لَا أَوْضَاعَ لَهَا لِأَنَّهَا إِنْ كَانَتْ ذَوَاتٍ وَضَعُ فَلَا تَخْلُو	ذَاتٍ ^۹

۱. بر (۳۰۵/۱، س ۱۳) / تا (۲۲۰/۱، س ۱۰) / دا (۱۱۳/۲، س ۲).
۲. مه (۲۰۳/۲، س ۱) / او (۴۱/۲، س ۲) / دا (۱۱۳/۲، س ۳).
۳. مه (۲۰۳/۲، س ۴) / دا (۱۱۳/۲، س ۸) / او (۴۱/۲، س ۹).
۴. مه (۲۰۳/۲، س ۸) / دا (۱۱۳/۲، س ۸) / او (۴۱/۲، س ۹).
۵. مه (۲۰۳/۲، س ۸) / او (۴۱/۲، س ۹) / بر (۳۰۵/۱، س ۱۹).
۶. مه (۲۱۷/۲، س ۱۹) / دا (۱۲۸/۱، س ۷) / تا (۲۳۹/۱، س ۹).
۷. بر (۳۱۱/۱، س ۱۴) / تا (۲۳۹/۲، س ۸) / او (۵۵/۱، س ۱۳).
۸. مه (۲۱۸/۱، س ۱۰) / دا (۱۲۸/۱، س ۱۵) / تا (۲۳۹/۲، س ۹).
۹. مه (۲۱۸/۱، س ۱۸) / دا (۱۲۸/۲، س ۶) / تا (۲۴۰/۱، س ۵) / بر (۳۱۱/۱، س ۲۱).

۲.۱.۱.۱. عدم رعایت آیین نگارشی

یکی از نکات مهم در استنساخ متن، توجه به اصول کتاب‌آرایی و رعایت آیین نگارشی، چون پاراگراف‌بندی و کاربرد به جای علائم نگارشی است؛ چراکه این دو از نظر درک مفهوم و نیز روان‌شناسی مطالعه نقشی در خور دارد. در تصحیح سلیمان دنیا به دلیل پاراگراف‌بندی‌های فراوان غیرموضوعی و غیرضروری، استفاده نابجا از علائم سجاوندی چون ویرگول و نقطه، عدم رعایت فاصله بین کلمات و تغییر ناگهانی نوع قلم، متنی بس ناآراسته حاصل شده است.

۳.۱.۱. گزارش ناقص و ناصحیح از نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح

با مقابله نسخه چاپی سلیمان دنیا با نسخه‌های در دسترس وی، چون نسخه بریتانی که در دسترس نگارنده این پژوهش است، روشن می‌شود که بسیاری از گزارش‌های دنیا در پاورقی‌ها با متن این نسخه همخوانی نداشته، به شیوه نادرستی گزارش داده شده‌اند و در پاره‌ای مواضع، اختلاف نسخه بریتانی با نسخه دیگر در دسترس وی گزارش نشده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ردیف	نشانی	متن چاپی	متن نسخه بریتانی	نقص	آدرس بریتانی
۱	ص ۳۴، پ ۴	وهذا کله نفس من مخنوف ونفته من مصدر	مخنوق	گزارش غلط	ش ۳۰۵/۱، س ۱۷
۲	ص ۹۹، س ۹	أما الجزء الذي لا يتجزى فقد فرغ منه في كتب المهندسين	فرع عنه	عدم گزارش	ش ۳۱۱/۱، س ۱۵
۴	ص ۱۱۲، س ۱۰	لو لا أن الكلام في تفصيل هذا مما يطول جداً	نطول	عدم گزارش	ش ۳۱۲/۲، س ۱۷
۵	ص ۱۱۳، س ۳	للسمع الصوت الأملس المعتدل في الثقل والخفة کیلا یفرق كثيراً	الحقه/ تفرق	عدم گزارش	ش ۳۱۲/۲، س ۲۰

۶	ص ۱۱۳، ص ۵	للمسّ اللين المعتدلّ الملمسّ لهذه العلة بعينه	اللبن	عدم گزارش	ش ۳۱۲/۲، ص ۲۰
۷	ص ۱۱۳، ص ۱۳	ولذّة المنكح شبهة بلذّة الدغدغة	شبهة/ الدغدغه	عدم گزارش	ش ۳۱۲/۲، ص ۲۴
۸	ص ۱۱۳، ص ۶	والسبب في هذا أنّ الفعل الخاص بالشئ هو العرض في جوهره	العرض	گزارش غلط	ش ۳۱۲/۲، ص ۲۱
۹	ص ۱۰۰، ص ۴	على أنّ النقطة لها وضعّ ما ولا وضعّ للنفس لأبالات	النفس	عدم گزارش	ش ۳۱۱/۱، ص ۲۰

۲.۱. تصحیح حسن عاصی

از رساله اضحویّه، چاپ دیگری با تصحیح حسن عاصی، مربوط به سال ۱۳۸۲ شمسی، انتشارات شمس تبریزی موجود است. عاصی این تصحیح را با تکیه بر چاپ سلیمان دنیا و بر اساس نسخه کتابخانه ملی برلین به شماره ۲۷۳۴، نسخه نور عثمانیه به شماره ۴۸۹۴ و میکروفیلم نسخه بریتانی به شماره ۵۰ موجود در بخش نسخه‌های خطی مجلس ملی کویت به سرانجام رسانیده است. مصحح در این اثر، بدون هیچ‌گونه تلاشی، جهت یافتن نسخه‌های خطی دیگری که به لطف کتاب‌های فهرست‌نویسی شناسانده شده‌اند، تصحیح خویش را تنها بر اساس سه نسخه مذکور و چاپ سلیمان دنیا سامان‌دهی کرده است؛ در حالی که التفاتی به سنجش نسخه‌های در دسترس و تعیین نسخ مضبوط از غیر مضبوط نداشته است؛ حال آنکه به اذعان کاملاً صحیح سلیمان دنیا نسخه بریتانی که در برخی موارد عاصی آن را به عنوان نسخه راجح، انتخاب می‌کند، نسخه‌ای بسیار مغلوط و اثر کاتبی بی‌دقت است. عاصی روش خود را در این اثر، مقارنه تمام نسخ و گزینش ضبط راجح (از نقطه نظر خودش) در متن معرفی می‌کند و آنچه را که از نظر وی مرجوح می‌نماید، بدون ذکر دلیل از متن خارج می‌کند. با مقابله تصحیح عاصی با نسخه‌های در دسترس وی، اشکالاتی چند در ویراست وی آشکار می‌شود که در فهرست زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱.۲.۱. گزارش ناقص و ناصحیح از نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح

با مقابله نسخه چاپی حسن عاصی با نسخه‌های در دسترس وی، روشن می‌شود که بسیاری از گزارش‌های عاصی در پاورقی‌ها با متن نسخه‌ها همخوانی نداشته، به شیوه‌ای ناصحیح گزارش داده شده‌اند و در پاره‌ای مواضع، اختلاف نسخه‌بدل‌ها با نسخه راجح گزارش نشده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ردیف	نشانی	متن چاپی	سایر نسخه‌ها	نقص
۱	ص ۱۴۵، س ۴	بل من اللذات ما لیست بمحسوسه ^۱	محسوسه ^۱	عدم گزارش
۲	ص ۱۴۵، س ۴	بل من اللذات ما لیست بمحسوسه و لاتدانیها ^۲	لابدانیها ^۲	عدم گزارش
۳	ص ۱۴۵، پ ۵	بل اللذة هی عنه ادراک الملایم	عند ^۳	گزارش غلط
۴	ص ۱۴۵، س ۶	والملایم هو الداخل فی تکمیل جوهر الشیء ^۴	النفس ^۴	عدم گزارش
۵	ص ۱۴۵، پ ۱۲	للسمع الصوت (- الطیب) الأملس المعتدل فی الثقل والخفة کیلا یفرق كثيراً و لا یجمع كثيراً	+ الطیب	گزارش غلط
۶	ص ۱۴۵، س ۵	فالملایم الحسی هو ما کتمل به جوهر الحاسة	- هو ^۵	عدم گزارش
۷	ص ۱۴۷، پ ۲	ویکون لو خلا بمملوک عنها عافها ^۶	بمملول ^۶	گزارش غلط

۱. نو (۲/۴۹۸، س ۳۰).

۲. نو (۲/۴۹۸، س ۳۰) / لن (۱۶۰، س ۱۱).

۳. بر (۲/۳۱۲، س ۱۵) / لن (۱۶۰، س ۱۱).

۴. نو (۲/۴۸۹۴، س ۳۱).

۵. نو (۲/۴۹۸، س ۳۱).

۶. نو (۱/۴۹۹، س ۸) / لن (۱۶۱، س ۷).

گزارش غلط	يقشر ^۱	ولذّة المنكح شبيهة بلذّة الدغدغة وهي أنّ سيلان الماء على العضو الغددى الرّخو اللحم يقتر عنه	ص ۱۴۶، پ ۷	۸
گزارش غلط	الصرفة ^۲	والطبيعة كلّها دون المعانى الصریحة	ص ۱۵۶، پ ۱	۹

۲.۲.۱. خوانش‌ها و ضبط‌های غلط

از جمله نقایص تصحیح حسن عاصی، خوانش‌های پریشان و ضبط‌های غلط وی از کلمات و عباراتی است که یا ناشی از عدم صحّت نسخ در دسترس یا ناشی از عدم دقّت مصحّح در ضبط کلمات است؛ به طوری که در برخی مواضع، عاصی متن نسخه بریتانی را که نسخه‌ای مغلوپ و از کاتبی غیر فنی در علم حکمت است، بر دو نسخه برلین و نورعثمانی ترجیح داده است و این ضبط غلط موجب شده است بسیاری از عبارات این کتاب، از جهت معنا متزلزل شود. ادامه به مواردی از این بدخوانی‌ها و ضبط‌های نادرست که حاصل مقابله تنها چندصفحه ابتدایی، میانی و انتهایی ویراست حسن عاصی با نسخ مستفاد وی و برخی نسخ اقدم و اصحّ چون نسخه مهدوی به شماره ۵۸۷/۱۳ و دانشگاه تهران به شماره ۱۵۵۹/۱۳ است، اشاره می‌شود:

ردیف	نشانی	متن چاپی	کلمه صحیح
۱	ص ۱۵۴، س ۸	قال بعض الحكماء ... والأنفس الشریسة تزداد ألماً وشرّاً بالتلاحق	الشریسة ^۳
۲	ص ۱۴۵، س ۶	أنّ سيلان الماء على العضو الغددى الرّخو اللحم يقشعر عنه بقوة سيلانه	يقشر ^۴

۱. لن (۱۶۱، س ۲).

۲. لن (۱۶۵، س ۴).

۳. بر (۳۱۳/۲، س ۲۹) / لن (۱۶۴، س ۱۴) / نو (۴۹۹/۲، س ۳۵).

۴. نو (۴۹۹/۱، س ۴) / لن (۱۶۱، س ۲).

النقطة ^١	أما النطقة فليست ممّا يُمكن [أن يقال] أنها تقبل نوعاً من المزاج عند اجتماع العناصر فتصير به مهياً لقبول النفس	ص ١٣٣، س ١٣	٣
سُدّه مسدّى ^٢	ثم لا يكون تفاوت الدرّج بيننا يسيراً ولا شدة مسندى مُتوهِماً	ص ٨٧، س ١	٤
على يد ^٣	وأن يكون لمن هو دونى فى جملته على يد ويقضى فى مبتغاه من قهرى	ص ٨٦، س ١٣	٥
الخِصِر ^٤	وأكون حيث ذلك فى المختصر مثنياً	ص ٨٧، س ٤	٦
شائناً ^٥	ويكون بانتظامه فى جملته لجملته ثانياً ولسيرته مبايناً	ص ٨٧، س ٥	٧
متهية ^٦	أما النطقة فليست ممّا يُمكن أن يقال أنها تقبل نوعاً من المزاج عند اجتماع العناصر فتصير به مهياً لقبول النفس	ص ١٣٣، س ١٤	٨
فمقوى ^٧	لا يمكن أن يكون لجسم من الأجسام قوّة غير متناهية البتة ولا يمكن أن تكون قوّة غير متناهية موجودة فى جسم لأنّ كل جسم قابلٌ للتجزىء فالقوّة قابلةٌ للتجزىء ضرورة فقوى كل واحدٍ من تلك الأجزاء إمّا أن يكون متناهيًا من جملة المتناهي الذى يقوى عليه الكلّ فيكون مجموعها متناهيًا ...	ص ١٣٢، س ٨	٩
الغير المتناهي ^٨			

١. نو (١/٤٩٩، س ٧) / لن (١٥٥، س ٦).

٢. نو (١/٤٩٢، س ٢١) / لن (١٣٤، س ٥).

٣. نو (١/٤٩٢، س ٢١) / لن (١٣٤، س ٥).

٤. نو (١/٤٩٢، س ٢٣) / لن (١٣٤، س ٨).

٥. نو (١/٤٩٢، س ٢٤).

٦. نو (٢/٤٩٧، س ٨) / لن (١٥٥، س ٧).

٧. نو (١/٤٩٧، س ٣٥) / لن (١٥٤، س ١٦).

٨. لن (١٥٤، س ١٧).

غیر متجزّء ^۱	ولا يُمكن أيضاً أن يكون النفس في شيء غير متجزّء من لواحق الجسم	ص ۹۹، س ۸	۱۰
تقدّمه بالکائنات فتستفيد	الطبيعة كلّها دون المعاني العقلية الصّرفة إذ يصير العالم الحسّي لها بدنّاً مثلاً لأنّه يحتسب فيه ولا يتعدّاه إلى العالم الأعلى فيصير له مطالعة جميع الأسباب الجزئية في العالم إذ ليس بعضها أولى بذلك من بعض فقدمه معرفة الكائنات التي تتأدى إليها الحركات الجبرئية فتستعيد النفس البدنية المتصلة بها تقدمه معرفة بالكائنات	ص ۱۵۶، س ۱	۱۱

با بررسی اثر چاپ شده حسن عاصی و مقابله، تنها بخش اندکی از متن مصحّح وی با نسخه‌های موجود نزد او روشن می‌گردد که این اثر علی رغم آنکه کوشیده است برخی از کاستی‌های ویراست سلیمان دنیا را برطرف کند، خود، همچنان گرفتار اشکالاتی چون عدم دسترسی به دیگر نسخه‌های ارزشمند موجود در کتابخانه‌ها، گزارش‌های نادرست از نسخه بدل‌ها، پاورقی‌های غلطی که با متن همخوانی نداشته^۲ و در نهایت ضبط‌های نادرستی که برخی به نسخه‌های وی و برخی به خوانش‌های اشتباه او از نسخه‌ها باز می‌گردد. بنابراین تصحیح مذکور به‌طور کلی رضایت‌بخش نیست و خود مجوّزی برای تصحیحی شایسته، همراه با رفع کاستی‌های و نابسامانی‌های موجود است.

جدول شماره (۴): مشخصات نسخ مورد استفاده در ارزیابی

گروه	کتابخانه، شماره نسخه	علامت اختصاری	تاریخ/قدمت
۱	دانشگاه استانبول، ۴۷۵۵	تا ۱	۵۸۸
۲	مهدوی (تهران)، ۵۸۷/۱۳	مه	۵۹۶ - ۵۹۷
۳	دانشگاه تهران، ۱۳/۱۵۵۹ ف	۱۱ د	۶۰۶

۱. بر (۳۱۱/۱، س ۱۴) تا (۲۳۹/۲، س ۸) / (۵۵/۱، س ۱۳).

۲. نمونه آن: ص ۸۶، پاورقی‌های ۱۵ تا ۱۹ با متن همخوانی ندارد.

۴	اونیورسیتته، ۴۷۲۴	او	۶۹۹
۵	برلی (landberg)، 368	لن	بی تا
۶	نورعثمانی (استانبول)، ۴۸۹۴	نو	بی تا
۷	جمعة الماجد(امارات)، - ADD 6 659	بر	۱۱۸۲

۲. ویراست فارسی رسالهٔ اضحویّه

رساله اضحویّه، دو چاپ به زبان فارسی دارد که عبارت‌اند از:

۱.۲. تصحیح حسین خدیوچم

در سال ۱۳۵۰ شمسی، حسین خدیوچم که دغدغه ترجمه رساله اضحویّه را از روی نسخه‌های خطی عربی داشت، با یافتن نسخه‌ای خطی به زبان فارسی، متعلق به کتابخانه بادلیان به شماره ۱۴۲۲/۵ - که تصویری از آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۳۰ و تصویری دیگری از آن در بنیاد فرهنگ ایران موجود بود و به زعم او به قرن‌های ششم و هفتم باز می‌گردد - قدم در راه تصحیح این ترجمه فارسی گذاشت. به عقیده خدیوچم، مترجم رساله اضحویّه در کار خویش استاد بوده و این ترجمه فارسی از لحاظ نثر کهن فارسی و واژه‌های اصیل دری بسیار ارزشمند است (خدیوچم، ۱۳۶۳: ۲۲). برای نخستین بار این تصحیح به همراه مقدمه‌ای که در بردارنده زندگی‌نامه ابن‌سیناست، در سال ۱۳۵۰ از سوی بنیاد فرهنگ ایران به زیور طبع آراسته شد.

۲.۲. تصحیح اکبر باغبان فردوسی

در سال ۱۹۸۰ میلادی استادی تاجیک، ابوالقاسم باغبان فردوسی، بدون آنکه به تصحیح انتقادی خدیوچم اشاره کند (در حالی که از نگاه‌های او آشکار است که تصحیح خدیوچم در اختیار او بوده است)، با دسترسی به نسخه بادلیان و دو نسخه جدید کتابخانه دولتی دوشنبه با شماره ۱۷۲۶ و نسخه انسیتوی خاورشناسی آکادمی علوم جمهوری شوروی در شهر تاشکند به شماره ۵۶۱، بار دیگر اضحویّه را به زبان فارسی تصحیح و توسط انتشارات عرفان شهر دوشنبه به چاپ می‌رساند.

۳. اضحویّه به زبان های دیگر

نخستین بار در سال ۱۵۴۶ میلادی، این رساله توسط مترجمی (Andrea, Alpago) از زبان عربی به زبان لاتین ترجمه شد (مهدوی، ۱۳۳۳: ۴۰) و به گزارش یحیی میشو بار دیگر در سال ۱۹۶۹ میلادی توسط لاکتا (Francesca, Lucchetta) به زبان انگلیسی ترجمه و تصحیح شد که از این تصحیح اثری به دست نیامد. این نویسنده در تلاشی مجدد اضحویّه را به زبان ایتالیایی نیز ترجمه کرد (Michot, 2003: 149).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابی اصیبه، موقّف الدّین احمد بن القاسم (بی تا)، عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، تحقیق دکتر عامر النّجّار، مصر: الهيئة المصريّة العامّة للکتاب.
- ابن البلخی (۱۳۸۴)، فارس نامه، تصحیح گای لیسترنج و رینولد الن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۷م)، أحوال النفس، تحقیق و دراسة احمد فؤاد الأهواني، پاریس: دار بیلیون.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵)، الإشارات و التنبیّات، مع شرح نصیرالدین طوسی، قم: نشر البلاغه.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، تصحیح محمّد تقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳)، المبدأ و المعاد، تصحیح عبدالله نورانی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی (مک گیل).
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، الشفاء (الطبیعیات)، تصحیح سعید زاید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۰)، اضحویّه، ترجمه مترجمی نامعلوم، تصحیح حسین خدیو جم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۲)، الأضحویة فی المعاد، تصحیح حسن عاصی، تهران: شمس تبریزی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۴۹م)، الأضحویة فی أمر المعاد، تصحیح سلیمان دنیا، مصر: دار الفكر العربی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۸۰م)، اضحویّه، ترجمه مترجمی نامعلوم، تصحیح اکبر باغبان فردوسی، دوشنبه: نشریات عرفان آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان.
- بیهقی، ظهیرالدین، (۱۳۶۵ق)، تاریخ حکماء الإسلام [تتمّه صوان الحکمة]، عنی بنشره و تحقیقه محمّد کرد علی، دمشق: المطبعة الترقی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۳۸)، نامه دانشوران ناصری، ج ۱، قم: دار العلم.
- جهانبخش، جويا، (۱۳۷۸)، راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.
- خراسانی، شرف الدین، (۱۳۷۰)، «ابن سینا» در: سید محمّد کاظم بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- درایتی، مصطفی، (۱۳۹۴)، فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۵ق)، شرح عیون الحکمة، تهران: مؤسسه الصادق علیه السلام.
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۱ق)، المباحث المشرقیة فی علم الألهیات و الطبيعیات، قم: بیدار.
- سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۷۵)، مجموعه مصنّفات شیخ اشراق، ج ۱، تصحیح و مقدّمه از هانری کربن و سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.

- الشیرازی، صدرالدین محمد، (۱۹۸۱ م)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شیدان شید، حسینعلی، (۱۳۹۵)، «چهره‌ای متفاوت از ابن‌سینا، مروری بر رساله اضحویة»، معرفت، شماره ۲۲۱.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۴)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران: مجید.
- القفطی، جمال‌الدین یوسف، (۱۳۲۶ ق)، إخبار العلماء بأخبار الحکماء، مصر: مطبعة السعادة.
- قنوتی، جورج شحاته، (۱۹۵۰ م)، مهرجان ابن‌سینا (مؤلفات ابن‌سینا)، تصدیر للدکتور أحمد بك أمين ومقدمة للدکتور ابراهیم بك مدکور، قاهره: دار المعارف.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجتبیایی، فتح‌الله، (۱۳۷۵)، «داستان ملاقات و مکاتبات بوعلی و بوسعید: نقد مأخذ»، نامه فرهنگستان، شماره ۶.
- مدکور، ابراهیم بیومی، (۱۳۶۱)، درباره فلسفه اسلامی و روش و تطبیق آن، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: امیرکبیر.
- مهدوی، یحیی، (۱۳۳۳)، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، سعید، (۱۳۳۱)، پورسینا، تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- Avicenna (1974), *The Life of Ibn Sina: A critical edition and annotated translalatin by William Gohlman*, Albany, New York: State university of new York press.
- Michot, Yahya J. (2003), *A Mamluk Theologian's Commentary on Avicenna's Risala Adhawiyya*, jurnal of Islamic studies, Vol.14, No.2, 149-203.
- Gutas, Dimitri (2014), *Avicenna and the Aristotelian Tradition*, Leiden- Boston: Brill.